

نجمت

۱۳۲۹



از
شیکاگو امریکا

شماره سیزدهم ماه ذی القعدة

فهرست مندرجات

۱. ابشارات قرن چهارم باک "لقن مبارک" حضرت عبدالهء در تصویرخانه سرفیلپ در نیویورک
۲. خطابه مبارک حضرت عبدالهء در حضور کنگره مؤحدین در شهر بوستن امریکا
۳. لوح مبارک حضرت عبد البهء در جواب تهنیت ورود بشرق
۴. اعلان چاپ و توزیع کتاب مقدس "صحف وادی" از جانب جان بهرلمیو
۵. لوح مبارک که با افتخار جناب جیرو نازل شده بود.
۶. نصیحه عزاء من کلام حضرت بهار شاعر در ثانی حضرت عبدالهء

Address: *Najme Bakhtar*, P. O. Box 283, Chicago, Ill., U.S.A.

PAGE 1
VOL. IV
No. 13

سالی دوازده قرن
ماه قدرت ۷۰

بیتنا

۱۳۲۹

صفحه اول ۱
جلد چهارم ۴
شماره سیزدهم ۱۳
قیمت اشتراك دلا ۱
نفر شمیر ۴

این مجریه بر حسب تاریخ بهائی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت آزادی در مسائل بیگانگی بشر و وحدت ادیان و انتشار علم و فن و ترفن و تربیت اطفال و پیشرفت امر حضرت بهاء الله در اطراف جهان و توضیح حقایق این دین عمومی خواهد نوشت و مقالات مفید که موافق سبک ادوات قبول و نشر خواهد گردید

نشانی قرین جمال ممالک

نطق مبارک حضرت عبدالبهاء در تصویرخانه سر فیلیپ در شیرپورک امریکا در حضور جمعیت زیاد از اجناب و متبعین ۱۲ آوریل سنه ۱۹۱۳

این قرن قرن جمال باریک است این عصر عصر نورانی است این دور دور نیست که جمیع انبیاء خیر دادند ایام قیام افشانی است ایام غریب است فیوضات الهی پی در پی است هر کس تخی بیفتاند شقایق حقایق برود و آن محبت انقلاط معرفت الله است فیوضات آسمانی است عدل عمومی است صلح اکبر است و وحدت عالم انسانی

است اگر چنین تخی را نفسی در این عالم بیفتاند در جمیع عوالم الهی برکت یابد ایام جمیع اهل عالم منهدک در شهراتند مشغول اغراض نفسانی اند شلای نبض و عداوتند در فکر محرومانی لال یکدیگرند منجر اند یکی یکدیگر را محو نمایند کنز شما جمعی هستید که جز محبت بعموم مقصدی ندارید و غیر از خدمت بیخ بشر آرزوی نخواهید پس باید بجمع قوی بگرشید و بموجب تعالیم بهاء الله عمل کنید با جمیع بشر محبت و بیگانگی معامله کنید تا این تخم پاک برود برکت آسمانی یابد انوار ملکوت تباید و فیوضات الهی کامل گردد قدر این فیض را بدانید بجان و دل بکشید تا انوار و آثار بهاء الله اثر اعمال و رفتار و گفتار تان ظاهر شود بصری که کل شهادت دهند که شما بهائی حقیقی هستید اگر چنین نمائید سعادت ابدیه برای شماست و فیوضات الهیه متواتراً نازل بر شما تا هریک شجر مبارکی

امروز روز خوبی بود در این عالم ناسوت سر بهما برای من نمائند جز ملاقات اجناب دیگر در این عالم هیچ چیز مرا سرور نمی نماید چه از جهت جسمانی چه روحانی سرور من بملاقات اجناب و نشر نجات الله است لهذا امروز بسیار سرور گذشت چرا تأییدات ملکوت الهی پیاپی میرسد و ملاقات اجناب پی در پی میشود اما کمال سرور من در اینست که به بینم شماها بموجب تعالیم بهاء الله قیام دارید و عمل مینمایید و با قلبی منبسط به محبت الله و روحی مهتر بنجات الله و جانی زنده بروح القدس و صلیبای جمال باریک را عاملید

اول تعلم حضرت بهاء الله محبت است که باید بین بشر نهایت محبت حاصل شود زیرا تحت نیکان الهی محبت الله است و خدمت بعالم انسانی است لهذا تضرع بملکوت الهی کردم که شما مانند ستاره از افق محبت الله بدرخشید قدر این ایام را بدانید

گردید و آثار باقیه ببار آید زیرا این عصر جمال الهی است
 بهای الهی است موسم گل و چمن است و هنگام سپهر
 زغری قدم از ایدانید شب و روز سعی نمائید تا این
 قلوب کمال محبت حاصل شود و در نهایت اتحاد باشید
 چه که هر قدر اتحاد زیاد گردد تأیید بیشتر شود ملاحظه
 نمائید من باین متن و این ضعف محیط اعظم را
 طی کردم تا در وجود شماها انوار محبت الله مشاهده
 نمایم و روح محبت الله در قلوبتان نافذ بنم و شماها
 را در نهایت اتحاد یابم زیرا شما گل های یک گلستانید
 اوراق یک شجرید و اداس یک آفتاب لهذا نهایت قطع
 می نمایم و از برای شاعریت ابدی می خواهم و موهبت
 سربدی می جویم و در حق شما دعای کنم امروز روزیست
 که هیچ فراموش نمی شود امروز روزیست که ذکرش
 بقلم الماس نوشته خواهد شد

اگر غیر محک ماند انسرده گردد و پشمرده شود
 زیرا فیوضات الهیه مستمر است مادام فیضان الهیه
 مستمر است دین باید در نشر و نما باشد وقت کند
 که جمیع امور تجدد یافته است زیرا این قرن قرن
 قرن تجدید جمیع اشیا است علم و فنون تجدد یافته
 است صنایع بدایع تجدد یافته است قوانین و نظامات
 تجدد یافته است آداب و رسوم تجدد یافته است
 افکار تجدد یافته است حتی علوم قرون ماضیه ابد
 امروز ثمری ندارد قوانین قرون ماضیه ثمری ندارد
 عادات قدیمه ثمری ندارد زیرا این قرن قرن معجزات
 قرن ظهور حقیقت است و آفتاب درخشنده قرن
 ماضیه است قدری در علوم نظر کنید آیا فنون
 قرون ماضیه امروز ثمری دارد و یا قوانین طبیعه
 قدیمه امروز ثمری دارد و یا نظامات استبداد و ارباب
 عتیقه امروز ثمری دارد و اوضاع است که هیچ یک ثمری
 ندارد با وجود این چگونه تقالید ادیان ماضیه
 امروز ثمری دارد تقالیدی که منبعت از او هلم بوده
 نه اساس انبیای الهی آیا ممکن است امروز فاندی
 بجشد علی المصر در نزد اهل عقل و علم زیرا
 نظری کنند که این تقالید مطابق حقیقت و علم
 نیست بلکه وهم است لهذا مادیرت را بهانه عظیم
 بدست آمده و مقاومت ادیان مینمایند ولی انبیاء
 الهی تا بیس دین حقیقی کردند و از این تقالید
 بکلی بیزار بلکه معرفت الهی انتشار دادند و
 دلائل عقلیه اظهار کردند بیان اخلاق انسانیه
 نمودند و فضائل عالم انسانی را ترویج کردند تا
 انبیاء بسبب حیات بشر بود سبب نورانیت عالم انسانی بود
 ولی نهایت اسف در این است که بکلی تغیر و تبدیل
 یافت آن حقایق که انبیاء بصدمات و بیانات عظیمه
 نشر نمودند بواسطه تقالید از میان رفت هر یک

خطابه مبارک

خطابه مبارک حضرت عبدالجبار در حضور کنگره موعظین
 در بوستن امریکا شب چهارشنبه ساعت ششم نیم ۱۹۱۶ م

امشب من از راه تازه رسیدم خسته هم
 با وجود این مختصری صحبت میکنم زیرا جمعی محترمی بنیم
 در این محضر حاضر و بر خود فرض میدانم که صحبت بدارم
 ملاحظه نمائید که جمیع کائنات متحرک است زیرا
 حرکت دلیل بر وجود است سکون دلیل موت است
 کائناتی که متحرک می بینید آن زنده است و هر کائناتی که
 غیر متحرک یابید مرده است جمیع کائنات در نشر و نما
 ابداً سکون ندارد از جمله کائنات معقوله دین است
 دین باید متحرک باشد و روز بروز نشو و نما نماید

بجشد علی المصر در نزد اهل عقل و علم زیرا
 نظری کنند که این تقالید مطابق حقیقت و علم
 نیست بلکه وهم است لهذا مادیرت را بهانه عظیم
 بدست آمده و مقاومت ادیان مینمایند ولی انبیاء
 الهی تا بیس دین حقیقی کردند و از این تقالید
 بکلی بیزار بلکه معرفت الهی انتشار دادند و
 دلائل عقلیه اظهار کردند بیان اخلاق انسانیه
 نمودند و فضائل عالم انسانی را ترویج کردند تا
 انبیاء بسبب حیات بشر بود سبب نورانیت عالم انسانی بود
 ولی نهایت اسف در این است که بکلی تغیر و تبدیل
 یافت آن حقایق که انبیاء بصدمات و بیانات عظیمه
 نشر نمودند بواسطه تقالید از میان رفت هر یک

این انبیاء فوق طاقت بشر صدقات کشیدند عذاب
 ها دیدند بعضی از آنها شهید شدند بعضی سرگردان
 گشتند تا آن اساس الهی را تأسیس نمودند ولی
 مدتی گذشت که آن اساس حقیقت از میان رفت
 تقالیدی بمیان آمد و چون آن تقالید مختلف بود
 لهذا سبب اختلاف و نزاع بین بشر شد جدال
 و قتال بمیان آمد اما اینکه بکلی از این تقالیدی
 خبر بلکه بیزار زیرا انبیاء الهی مؤسسه حقیقت
 بودند حال اگر ملل عالم ترک تقالید کنند و توحیدی
 حقیقت نمایند متفق و متحد شوند و حقیقت
 یکی است و حقیقت تعدد قبول کند و حقیقت نورانیست
 توحید است و اساس وحدت عالم انسانی اما تقالید
 سبب تفریق بشر و مورث محاربه و جدال است
 جمیع ادیان که ملاحظه نمایند الیوم منبعت از تقالید آباء
 و اجداد است شخصی که پدرش یهودی بود او هم
 یهودی است اگر پدرش مسیحی بود او نیز مسیحی
 آنکه اگر پدرش بودائی بود او نیز بودائی و اگر پدرش
 زردشتی بود او نیز زردشتی این پسران جمیعاً تقلید
 آباء میکنند ابداً توحیدی حقیقت نمی نمایند و چون توحیدی
 حقیقت نمی کنند در وقت تقالید مانده اند این تقالید
 سبب شده که بکلی عالم انسانی مختل گردیده و تا این تقالید
 زایل نشود اتحاد و اتفاق حاصل نگردد و تا این تقالید
 محو نشود اسایش و راحت عالم انسانی جلوه نماید پس
 حقیقت ادیان الهی باید تجدید گردد زیرا هر دین
 بمنزله دانه بود انبات شد اغصان و اوراد پیدا
 کرد شکوفه و غمبار آورد حال آن درخت کهنه
 گردیده برگها ریخته آن شجر از ثمر باز مانده بلکه
 پوسیده شده دیگر تشبث بان فایده ندارد پس
 باید دانه را دوباره بکاریم زیرا اساس ادیان الهی
 یکی است اگر بشر دست از تقالید بردارد جمیع ملل

و ادیان متحد شوند و جمیع با یکدیگر مهربان گردند
 و ابداً نزاع و جدال نماند زیرا جمیع بنده یک
 خداوندند خدا مهربان بکل است خدا سزاوار
 کل است خدا محیی کل است خدا مصلی کل است
 چنانچه حضرت سح میفرماید که آفتاب الهی
 بر گنجه کار و نیکوکار هر دو می تابد یعنی رحمت
 پروردگار عام است جمیع بشر در ظل عنایت حق
 بوده و جمیع خلق غرق دریای نعمت پروردگار
 فیض و موهبت الهی شامل کل است پس دلورز
 از برای کل راء ترقی مهیا و ترقی بر دو قسم است
 ۱ ترقی جسمانی .
 ۲ و ترقی روحانی
 ترقی جسمانی سبب راحت معیشت است .
 اما ترقی روحانی سبب عزت عالم انسانی زیرا
 خدمت بعالم اخلاقی می نماید مدنیت جسمانی
 سبب سعادت دنیوی است اما مدنیت الهیه
 سبب عزت ابدیه بشر انبیاء الهی تأسیس
 مدنیت روحانیه نمودند خدمت بعالم اخلاق کردند
 تأسیس اخوت روحانی نمودند و اخوت بر چند
 قسم است :-
 اخوت عالمه است . اخوت وطن است . اخوت
 جنس است . اخوت آداب است . اخوت
 لسان است . و کتب این اخوتها قلع و قمع نزاع
 و قتال بین بشر نمی نماید و کتب از اخوت روحانی
 که منبعت از روح القدس است ارتباط تام بین بشر
 حاصل شود بکلی اساس جنگ قلع و قمع گردد ام
 مختلفه لیک ملت نماید ارطان متعدده را این وطن
 کند زیرا تأسیس وحدت عالم انسانی نماید خدمت
 بصلح عمومی کند لهذا باید ما بر اساس ادیان
 الهی پی بریم و این تقالید را فراموش کنیم آنچه حقیقت

تعالیم الهی است آنرا انتشار دهیم و بموجب آن عمل نمایم
 تا این بشر لغوت روحانی عمومی نشر گردد و این جز
 بپوت روح القدس نشود سعادت فاسوقی
 و مابین است عزت لاهوتی درین است و در جمیع
 مراتب استفاضه از فیض ابدی در این است
 اعلان صلح عمومی در این است وحدت عالم انسانی
 در این است باین قوت روح القدس قرن نورانی گردد
 و فلاح و فلاح حاصل شود و عموم بشر متحد گردند
 جمیع اوطان یک وطن گردد جمیع ملل ملت واحد
 شوند و از برای عالم انسانی منقبتی بالاتر از این
 نیست
 الحمد لله در این مرتبه علوم ترقی نموده فنون
 ترقی نموده حریت ترقی نموده عدالت ترقی نمود
 لهذا سزاوار این عنایات ربانی گردیده و قرن
 تاسیس صلح عمومی و وحدت عالم انسانی شده

در آن کشور درخشیده و نسیم عنایت وزیده و قلم بر بیان
 دلا همت تراست این سبب سرور است زیرا عبد الجبار
 نهایت آرزو چنین برد که آن دیار مشکباز گردد و
 آن اقلیم مشکوه سراج محبت الله شود زیرا موطن
 حضرت جبار الله است
 رَبِّ وَرَحْمَتِي إِنِّي أَتَّهَلُّ أَتَّهَلُّ الْعَالِي إِلَى الْمَلِكِ
 الْمُتَعَالِي وَأَدْعُوكَ بِلِسَانِ عَالِي أَنْ تُنْزِلَ كُلَّ بَرَكَةٍ
 عَلَى مَوْطِنِ مَطْهَرِ نَفْسِكَ حَتَّى تَشْتَرِقَ أَرْضَهُ
 بِأَنْوَارِ أَحَدِيكَ وَتَبْعَطِرَ أَرْجَاءَهُ بِنَفْثَاتِ طِبِّ عَيْتِكَ
 مِنْ حَدِيقَةِ رَحْمَتِكَ وَتَرْفَعُ الصَّيْحُ بِالْقَوْلِ الْكَبِيرِ
 إِلَى مَلَكُوتِكَ الْأَعْلَى سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى رَبِّ نُوْرٍ
 أَنْصَاهُمْ بِشَاهِدَةِ الْأَنْوَارِ وَطِبِّ نَفْسِهِمْ بِمَوْضِعَاتِ
 مَلَكُوتِ الْأَسْرَارِ وَأَشْرَحُ صُدُورَهُمْ فِي الْعَتَمِ وَالْجَبَابِ
 إِنَّكَ أَنْتَ الرَّبُّ الْجَلِيلُ وَإِنَّكَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ع

لَوْحٌ مَبَارَكٌ

لوح مبارک در جواب تهنیت ورود بشرق
 هو الله
 ای نفوس مبارکه : تهنیت ورود رسید و نهایت
 سرور از احساسات وجدانیه یاران الهی حاصل گردید
 ولی تهنیت تبریک عید البهار وقتی است که بعبودیت
 آستان مقدس موفق گردد و شرط خدمت بجا
 آید تا بحال از این موهبت کبری بهره و نصیب
 نیافت بلکه بدعای یاران در مستقبل حرکت
 مذبحی تمام انوقت جای تهنیت و تبریک است
 ولی از موطن حضرت مقصود اقلیم از بندران
 خبرهای خوش میرسد که الحمد لله انوار شجقت

کتاب مقدس هفت وادی

مژده یاد اعلان نیک اختری
 از دست ربان که براید که از عهده شکرش بدر آید
 بعد از حمد و ستایش حضرت یزدان مهربان
 و نعمت و نیایش مرکز میثاق و محبوب آفاق و دعای
 بقاء کل نوع انسان خدمت جمیع احوار الهی و برود
 معنوی و همشیرگان روحانی معروف اینک در این
 ایام بهجت توامان کتاب مبارک [هفت وادی]
 در مبنای نهایت خوشخط و بچاپ اعلی و جلدش
 پرورشده بجا هی و بر شد بجا به بن تیزه و قیده بارگاه
 بجلوه نیت و محقیقت تام با کثر بلاد خاک پال قدس
 ایران نهشته شده خصوصاً طهران و قزوین اداره
 شرکت برادران پارس

و بس منزل مقصود رسیدی و در پیوسته مشهور
 بوهبت بت و درود موفق گردیدی مظهر عنایت
 شری و مطلع هدایت گردیدی این نیت مگر
 بفض و بخشش خداوند آفرینش لهذا سزاوار
 ستایش و نیایشی جانت حش باد مع

به چنین شیراز ساری روغنی جناب آقا ستم پر جوافرو
 خرم شاهی . و در نزد جناب آقا محسن خداداد
 و شرکا . و سایر بلاد هم بجهت و توسط کهبانی
 شرکت برادران پاریسی در هر محل موجود است
 جمیع برادران و همشیرگان معنوی و روحانی حیا
 اینکه این کتاب مبارک مذکور را مطالعه نمایند
 ولی بشرط اینکه بخلوص نیت از ماسوی الله
 بکنند و تقوی که سردار اعظم است پیشه کنند
 و این جام جم بنوشیم و بنوشانیم قسم بذات حق که اگر
 بحق یقین آنچه شایسته و بایسته این روز فیروز
 بخری داریم تا الله روح القدس علیه نماید و این عالم
 ظلمانی نورانی گردد و این خاکدان فانی جنت ابری
 شود و این خلق خوی وحشی و درنگ بصفا
 جهانی تبدیل و پیوند خواهد شد انک انت نجیب
 الدعوات

من کلامی است

حضرت عبدالمجید تا از اروپا پاکشید
 خطه امیرک شد تارک تا شد شهرتون
 کشور پاریس ووز خورد و بزرگ
 چون زلمان مرکز پیمان جد شد جمله را
 سافر برونا و پرازد فرنگ آمد حرکت
 شد بحر آن بحر اعظم وارد پورت مسجد
 دیگر امیریکه پرا نا انانمانی از فراق
 زین سپس مخزون مشروطیها اشکالات
 غصص اعظم بترتیب تعالیم بجهت
 غیر سر آمد در عالم که امین مظهر سے
 گاه مشرق گاه مغرب گجهوز و گشمال
 حمد راستی ارقان و زجرا و چکر کرد
 آید آن معنی که گوید حضرت عبدالمجید
 خاک باید ما بسر زمین روز و شب که دست
 وقت آن شد کار جمال پدشاش برده را
 موسم آن شد که از غصیم سرشش آید کوش
 که شود ذرات عشق آباد بالند از شرف
 ای بجا کی تکبیرم در کشور مازندران
 خانه بصفا از عشق جمال شمس عهد
 خاک این کشورها آه و اوایل کشید
 آه هر دل شعله بر این کند میساکشید
 بر فلک افغانشان زمین توده خبر کشید
 ناله های الفراق از منطق گویا کشید
 تاصلا ی هر خود با فقر احلی کشید
 از شعفت آن سرزمین آوار پشیری کشید
 شایمان خست کار اولی امیریکه کشید
 کرز خاک ای اروپا غصص اربا کشید
 بگرزد دامن خود آستین بالا کشید
 یک جهان را کرد پراخت در هر کشید
 حل این بارگران را بکه و تمها کشید
 صد گبر را گرش جاہل و دانا کشید
 جانب اپون و ترک و خند و چرخ کشید
 چشم ما را منظر بر جانب عکا کشید
 بجهت شاقان رو خوشترن بالا کشید
 شد اقامت راز عکاسی و خطا کشید
 عاشقان گویند دلم بره بسوی عاکشید
 مرکز عیبت علم بر قبه بیضا کشید
 بلبل آساز اشتیاق روی کال واکشید

فانی بندای دوستان دوست بمان بهرام جیوم
 خرم شاهی تاریخ ۲۳ شهر شوال المکرم ۱۳۲۱
 از هندوستان بجهت خاک پاک ایران براه
 و شیراز به نزد عاظم تا باب که خواهد میشد
 (نجیب اختر) این کتاب مستطاب را زیارت
 کردیم فی الحقیقه در ترتیب طبعش خیلی همت
 نمودند امیدواریم که حضرت جیوم باز موفق
 شوند تا کتابهای دیگر به طبع برسند
 ما هم اکثر کتاب مرتبه بزبان انگلیسی داریم
 این هم لوح مبارک که بافتخار جناب بمان بهرام
 جیوم خرم شاهی نازل شد درج می نمایم

هو الله

ای طالب نورهد جهانیان در ظلمت و پایدان
 و در بحر غفلت مستغرق اقاتور له مجاهده پیروی